



• عزت‌اله الوندی
• تصویرگر: میثم برزا

دو نصیحت بزرگ

شخصی به خدمت امام اول ما حضرت علی(ع) رفت و گفت: ای امیرمؤمنان! مرا نصیحت کن. علی(ع) فرمودند: نصیحت من به تو این است: از آن کسان نباش که امید به بهشت دارند، اما می‌خواهند بدون عمل خیر به آن برسند. از آن کسان مباش که احساس می‌کنند به توبه نیاز دارند اما همیشه می‌گویند: هنوز وقت باقی است و دیر نمی‌شود!



درخشش همیشگی

ابوهاشم عسکری می‌گوید: زمانی خدمت امام حسن عسکری(ع) رسیدم و پرسیدم چرا پیامبر(ص) فاطمه(س)، را زهرا می‌خواندند؟ امام حسن عسکری فرمودند: چهره‌ی مادرم زهرا(س) همیشه درخشش داشته است. در آغاز روز مثل خورشید، در هنگام ظهر مثل ماه و در هنگام غروب، مثل ستارگان می‌درخشید.

گرگ در گله‌ی بی‌چوپان

مردی به خدمت حضرت امام رضا(ع) رسید و گفت فلان کس از ریاست برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کند. مولای من... درباره‌ی چنین ریاستی که هدفش خدمت به مردم نیست، چه می‌فرمایید؟

امام رضا(ع) فرمود: چنین ریاستی خطرناک‌تر از آن است که دو گرگ گرسنه در میان گله‌ی گوسفندان بیفتند و آن گله، چوپان نیز نداشته باشد.



وزیر پشیمان



ابراهیم شتریان، برای کاری خواست به دیدن وزیر برود اما وزیر به او اجازه‌ی ملاقات نداد.

ابراهیم بی آن که توانسته باشد نیازش را رفع کند، به خانه بازگشت. چند روز بعد، موسم حج فرا رسید. وزیر نیز همراه با کاروان حج، راهی خانه‌ی خدا شد. وقتی به مسجدالحرام رسید، شنید که امام موسی کاظم (ع) در مسجدالحرام است. وزیر از اطرافیان امام خواست که برای او از امام اجازه‌ی ملاقات بگیرند اما امام کاظم، به او اجازه‌ی دیدار نداد.

وزیر روز دیگری خدمت امام رسید و پرسید: مولای من، گناه من چیست؟

امام فرمود: نگذاشتم به دیدنم بیایی. زیرا تو نگذاشتی برادرت، ابراهیم شتریان، به دیدارت بیاید. بدان که خدا حج تو را قبول نخواهد کرد. مگر آن که ابراهیم شتریان تو را ببخشد.

وزیر، بر اسب نشست و شبانه راهی کوفه شد. او به خانه‌ی ابراهیم رفت و از او طلب بخشش کرد. ابراهیم گفت: من از تو گذشتم. خدا نیز از تو بگذرد.

منت

مردی با خوشحالی فراوان خدمت امام جواد (ع) رسید. حضرت فرمودند: چه شده است که این چنین شادمان و خوشحالی برادری؟

مرد گفت: ای فرزند رسول خدا... از پدر شما شنیدم که می فرمود بهترین روز برای شادی انسان، روزی است که خداوند توفیق انجام کارهای نیک را به او بدهد و او در حل مشکلات مردم موفق شود... امروز نیازمندی نزد من آمدند و من توانستم گرفتاری‌هایشان را حل کنم.

امام جواد (ع) فرمودند: شایسته است که چنین شاد و خوشحال باشی... به این شرط که اعمالت را در آینده باطل نکنی. پس از اندکی سکوت، امام این آیه از قرآن کریم را برای مرد خواندند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اعمال نیک خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن، باطل نکنید.

(قرآن کریم، سوره‌ی بقره، از آیه‌ی ۲۶۴)



منابع: مجموعه‌ی آثار استاد شهید مطهری، اصول کافی، بحار الانوار